

## درنگی در حدیث: «علماء امتی افضل من انبیاء بنی اسرائیل»

محسن زارع پور\*

### چکیده

روایت: «علماء امتی افضل من انبیاء بنی اسرائیل» بسیار مشهور است، اما درباره سند و متن این روایت شبهاتی وجود دارد. روایت مزبور در منابع حدیثی کهن به چشم نمی خورد، و به انضمام برخی قرائن، اطمینان به صدور آن از رسول اکرم ﷺ بسیار مشکل است. در فرض صدور هم، از آنجا که به حکم عقل و نقل، پیامبران بنی اسرائیل معصومند و تفضیل علمای غیر معصوم بر انبیای معصوم صحیح نیست، «علماء» را یا به قرینه این که در برخی روایات، اهل بیت (ع) «علماء» و شیعیان «متعلمان» معرفی شده اند، باید بر وجود ایشان تطبیق کرد و یا بر شاگردان ممتاز مکتب اهل-بیت (ع)، همچون سلمان فارسی (ع) که به درجات بالای ایمان دست یافته و به مقام عصمت اختیاری رسیده اند، چراکه ایشان نیز همچون انبیا بر مردم زمانه خویش حجتند.

**کلیدواژه‌ها:** اهل بیت (ع)، علمای امت، روایات ساختگی، انبیای بنی اسرائیل.

---

\* دانشجوی کارشناسی ارشد کلام اهل البیت دانشگاه قرآن و حدیث.

یکی از احادیثی که در متون علمی، منابر و محافل دینی بسیار بدان استناد می‌شود، سخنی منسوب به رسول خدا ﷺ است که فرمودند: «علماء امتی أفضل من أنبياء بنی اسرائیل»؛ علمای امت من از پیامبران بنی اسرائیل برترند. از آن‌جا که دربارهٔ سند و متن این روایت شبهه‌های فراوانی مطرح شده، لازم است روایت مزبور مورد کنکاش و کاوش قرار گیرد.

سؤالاتی که مقاله حاضر در صدد پاسخ به آن‌هاست، عبارتند از:

- این حدیث در کدام یک از منابع روایی شیعه یا اهل سنت نقل شده است؟
- آیا روایت از نظر سند معتبر است؟
- آیا در نقل روایت در منابع گوناگون، اختلافی در الفاظ وجود دارد یا در همهٔ منابع به همین صورت ذکر شده است؟
- با توجه به این که «عصمت» از شرایط مقام نبوت است، چگونه می‌توان برتری دادن علمای غیر معصوم بر انبیای معصوم بنی اسرائیل را پذیرفت؟

## اهمیت تحقیق

مضمون روایت شده از رسول اکرم ﷺ به دو صورت: «علماء امتی افضل من انبیاء بنی اسرائیل» و «علماء امتی کأنبیاء بنی اسرائیل» نقل شده اسم. در این نوشتار از عبارت اول با عنوان «روایت تفضیل» و از عبارت دوم با عنوان «روایت تشبیه»، نام برده خواهد شد.

روایت تشبیه و تفضیل علما بر انبیای بنی اسرائیل در متون کلامی، فقهی، اخلاقی، عرفانی و تفسیری مورد استفاده و استناد دانشمندان این علوم قرار گرفته اسم. در علم کلام برای اثبات فروعاتی همچون تفضیل امیرالمؤمنین و سایر ائمه علیهم السلام، عصمت ائمه علیهم السلام، تفضیل و عصمت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به این حدیث استناد شده است؛ برای مثال برخی معتقدند مطابق روایت تفضیل، امیرالمؤمنین علیه السلام که به تصریح پیامبر اکرم (ص) باب مدینه العلم نبی ﷺ است، به طریق اولی برتر از انبیای بنی اسرائیل و سایر افراد امت خواهد بود.<sup>۱</sup>

علامه حلی رحمته الله نیز برای اثبات عصمت ائمه علیهم السلام به این روایت تمسک کرده اسم.<sup>۲</sup> تمسک به این حدیث برای اثبات افضل بودن فاطمه زهرا علیها السلام نیز از موارد استناد اسم.<sup>۱</sup>

---

۱. «قال (ص): علماء امتی کأنبیاء بنی اسرائیل. و هذا فی حق الأحاد فما ظنک بعلی (ع)؟!» این استدلال را علامه امینی رحمته الله از کسی دیگر نقل کرده اسم. ر.ک: *الغدیر*، ج ۳، ص ۱۳۱؛ در کتاب *شبهای پیشاور* هم چنین استدلالی آمده: «و در خبر دیگر فرموده: «علماء امتی افضل من انبیاء بنی اسرائیل.» آن گاه انصافاً تصدیق خواهید کرد جایی که علمای این امت به واسطه آن که علمشان از سرچشمه علم محمدی است، مانند یا افضل و بهتر از انبیای بنی اسرائیل باشند، حتماً علی بن ابی طالب (ع) که منصوص است به گفتار رسول اکرم (ص) بنا بر آنچه اکابر علمای خودتان نقل نموده اند که فرمود: «انا مدینه العلم و علی بابها» و «انا دار الحکمة و علی بابها»، افضل از انبیاست و هرگز در آن شک و تردید نمی کنید؛ *شبهای پیشاور*، ص ۴۷۳.

۲. «الإمام أفضل من أنبیاء بنی اسرائیل أو مساو لهم و أنبیاء بنی اسرائیل أفضل من الملائکة، فالإمام أفضل من الملائکة بطبقتین؛ و الملائکة قد وصفهم الله تعالی و مدحهم بصفات: إحدیها: إنهم لا یعلمون إلا بالنص لقوله تعالی: لا علم لنا إلا ما علمتنا. و قال: لا یسبقونه بالقول. و ثانیها: إنهم لا یعملون شیئاً إلا بأمره تعالی لقوله: لا یعملون شیئاً إلا بأمره تعالی. و هذه الصفة فی العرف العام إنما تستعمل فی کل من فعله بأمره تعالی و لایهمل من أمره شیئاً. و ثالثها: إنهم لا یعصون الله ما أمرهم كما قال تعالی؛ هذه صفات العصمة فهم معصومون، فیکون الأفضل من المعصوم معصوماً فأنبیاء بنی اسرائیل معصومون فالإمام أولى بالعصمة؛ لأنه أفضل من الأفضل من المعصوم أو مساو له، أما

در علم اخلاق برای اثبات علو مقام علم و عالم، بدین حدیث استناد شده اسم.<sup>۲</sup> در علم فقه برای اثبات احکامی همچون: ولایت فقیه،<sup>۳</sup> جواز اقامه حدود در عصر غیبت،<sup>۴</sup> جواز تقلید از مجتهد میت<sup>۵</sup> و حجیت قول علما<sup>۶</sup> از این حدیث استفاده شده است؛ برای نمونه، به عقیده فاضل مقداد، از آنجا که علمای امت همچون انبیای بنی اسرائیل هستند و از سویی، پیامبران هم حق اجرای حدود الهی را دارند، جواز این کار برای علما در عصر غیبت نیز ثابت می شود.<sup>۷</sup>

در کتب عرفانی نیز برای اثبات وجود اولیا پس از نبوت خاتم ﷺ بدین حدیث استناد شده اسم.<sup>۸</sup>

المقدمة الأولى فلقوله (ع): علماء أمتي كأنبياء بني إسرائيل والإمام أفضل من كل العلماء أو مساو لهم فهو أفضل من أنبياء بني إسرائيل أو مساو لهم...»؛ *الفين*، ص ۳۴۳. نباطی بیاضی (م. ۸۷۷ق) نیز در این باره می نویسد: «و لأنَّ النبي ﷺ قال: «علماء أمتي كأنبياء بني إسرائيل» و الإمام أولى بذلك؛ لأنه أفضل العلماء و الأنبياء أفضل من الملائكة، و الملائكة معصومون و المساوي للأفضل أفضل، و إذا ثبت عصمتهم فمطلق الإمام معصوم، لعدم القائل بالفرق»؛ *الصراط المستقيم إلى مستحقي التقديم*، ج ۱، ص ۱۳۱.

۱. «و قول النبي (ص) علماء أمتي أفضل من أنبياء بني إسرائيل، فيه دلالة واضحة على ذلك لأنه لو أخذنا و فسّرنا أن علماء أمتي هم الأئمة- (ع) بالخصوص، فيكون الأفضلية لفاطمة (س) من هذه الجهة.» *الأسرار الفاطمية*، ص ۲۲۲. و نیز ر.ک: *مناظرات في العقائد والأحكام*، ج ۱، ص ۳۳۴.

۲. *منية المرید*، ص ۱۸۳. و نیز ر.ک: *العلم و الحكمة في الكتاب و السنة*، ص ۳۴۹.

۳. *عوائد الأيام*، ص ۵۳۲.

۴. *التنقيح الرائع*، ج ۱، ص ۵۹۷.

۵. *تقليد الأعلام*، ص ۱۵۶.

۶. همان، ص ۲۲۲.



۷. «... و قوله: علماء أمتي كأنبياء بني إسرائيل. و معلوم أن أنبياء بني إسرائيل لهم إقامة الحدود»؛ *التنقيح الرائع لمختصر الشرائع*، ج ۱، ص ۵۹۷.

۸. *شرح الأسماء الحسنى*، ج ۱، ص ۲۰۵.

با توجه به شهرت روایت مزبور و کثرت استناد به آن در مباحث علمی، بررسی سند و متن، گردآوری و جمع‌بندی نظریات علما در شرح حدیث و نیز ارائه جمع‌بندی محققانه درباره آن، ضروری به نظر می‌رسد.

### پیشینه بحث

تا کنون تحقیقات و تألیفات مستقلاً درباره شرح و بررسی حدیث: «علماء امتی افضل من أنبياء بنی اسرائیل» نگاشته شده است؛ این نگاشته‌ها عبارتند از:

۱. فصل الخطاب فی شرح حدیث علماء امتی افضل من أنبياء بنی اسرائیل؛ این تألیف مربوط به حاج میرزا - ابوالقاسم بن میرزا کاظم زنجانی (م. ۱۲۹۲ق)، از فقها و مجتهدان جلیل‌القدر امامیه اسم.<sup>۱</sup> بنا بر گزارش آقا- بزرگ طهرانی ، این کتاب نزد نوادگان مؤلف در زنجان موجود اسم.<sup>۲</sup>
۲. شرح الحدیث المعروف «علماء امتی کأنبياء بنی اسرائیل»، از مکتوبات شیخ احمد بن زین‌الدین احسائی (۱۲۴۱-۱۱۱۶ق) اسم.<sup>۳</sup>
۳. رساله فی معنی الحدیث «علماء امتی افضل من أنبياء بنی اسرائیل»، نوشته میرزا حسن بن علی گوهر قراچه‌داغی.<sup>۴</sup>
۴. شیخ حر عاملی  نیز در کتاب الفوائد الطوسیة، فایده شماره ۸۵ را به شرح و بررسی این حدیث اختصاص داده اسم.<sup>۵</sup>

---

۱. موسوعه طبقات الفقهاء، ج ۱۳، ص ۴۹۹.

۲. الذریعه، ج ۱۶، ص ۲۲۸.

۳. معجم المؤلفات الشيعية فی الجزيرة العربية، ص ۵۰.

۴. فهرست کتاب‌های چاپی عربی، ج ۱، ص ۱۸۳؛ و نیز ر.ک: معجم المطبوعات العربیه فی ایران، ص ۲۹۸.

۵. الفوائد الطوسیة، فایده ۸۵، ص ۳۷۶-۳۷۸.

۵. «تحقیق حول حدیث: علماء اُمّتی خیر من انبیاء بنی اسرائیل» عنوانی است که صفحاتی از کتاب جامع-

الشّات محمد اسماعیل خواجویی مازندرانی را به خود اختصاص داده اسم.<sup>۱</sup>

۶. علی اکبر نهاوندی نیز این روایت را به تفصیل در کتاب لمعات الأنوار بررسی کرده اسم.<sup>۲</sup>

### متن روایت

اطمینان به روایت بودن عبارتی، آن گاه حاصل می شود که آن عبارت در یکی از منابع روایی، تفسیری، فقهی و مانند این ها به یکی از معصومان (ع) اسناد داده شده باشد و در صورتی که در منابع اصلی و معتبر این عبارت یافت نشود، نمی توان قطع به روایت بودن آن پیدا کرد؛ البته در این صورت، مجعول خواندن روایت نیز شایسته نیست.

مقایسه و تشبیه علما به انبیای بنی اسرائیل، با عبارت های متفاوتی در متون علمی به چشم می خورد؛ عبارات یافت شده در این زمینه عبارتند از:

متن اول: «علماء اُمّتی أفضل من انبیاء بنی اسرائیل»؛ علمای امت من از پیامبران بنی اسرائیل برترند.

این متن که همان متن مشهور و متداول روایت است، فقط در یکی از متون عرفانی مربوط به قرن هفتم و یکی از کتاب های روایی مربوط به قرن دوازدهم به چشم می خورد و اثری از آن در مجامع روایی و سایر منابع حدیثی یافت نشد.

سعیدالدین سعید فرغانی (م. ۶۹۱ ق)<sup>۳</sup> و سید نعمت الله جزایری (م. ۱۱۱۲ ق)<sup>۱</sup> تنها کسانی هستند که این

عبارت را به عنوان خبر به رسول اکرم (ص) نسبت داده اند.

<sup>۱</sup>. جامع الشّات، ص ۱۵۷.

<sup>۲</sup>. المعبری الحسان، ج ۵، ص ۲۷۱؛ به نقل از: لمعات الأنوار.

<sup>۳</sup>. مشارق الدراری، ص ۱۷۵ و ۶۴۷.

با این حال، جای بسی تعجب دارد که هبه‌الدین شهرستانی<sup>۱</sup> در پاسخ به سؤالی درباره تفضیل ائمه<sup>۲</sup> بر انبیا<sup>۳</sup>، پس از ارائه برخی ادله در این باره، به روایت: «علماء اُمّی کأنبیاء بنی اسرائیل» تمسک کرده و نقل «افضل من انبیاء بنی اسرائیل» را بیشتر از «کأنبیاء بنی اسرائیل» دانسته اسم.<sup>۳</sup>

**متن دوم:** «علماء اُمّی کأنبیاء بنی اسرائیل»؛ علمای اُمّت من همانند انبیای بنی اسرائیل هستند.

گرچه در کتب اربعه و مجامع روایی متقدم شیعه، اثری از این نقل هم به چشم نمی‌خورد، ولی این عبارت در بعضی متون علمی و روایی قرن هفتم به بعد وجود دارد.

این نقل به ترتیب در آثار: ابن عربی (م. ۶۳۸ق)،<sup>۴</sup> ابن میثم بحرانی (م. ۶۷۹ق)،<sup>۵</sup> مؤیدالدین جندی (م. ۶۹۰ق)،<sup>۶</sup> علامه حلی (م. ۷۲۶ق)،<sup>۷</sup> سیدحیدر آملی (م. ۷۸۲ق)،<sup>۸</sup> فاضل مقداد (م. ۸۲۶ق)،<sup>۹</sup> ابن فهد حلی (م. ۸۴۱ق)،<sup>۱</sup>

---

۱. «و أما ما جاء في الخبر من قوله (ص): «علماء اُمّی أفضل من انبیاء بنی اسرائیل»، فالظاهر أنّ المراد من العلماء في الحديث الأئمة المعصومين (ع)»؛ *رياض الأبرار في مناقب الأئمة الأطهار*، ج ۲، ص ۴۶۵.

۲. سیدمحمدعلی حسینی شهرستانی (۱۳۰۱-۱۳۸۶ق)، معروف به هبه‌الدین شهرستانی، عالم و مجتهد بزرگ، مفسر قرآن، مجاهد و مبارز و یکی از بزرگان و وحدت‌گرایان جهان اسلام اسم.

۳. «... و إن أبيت إلا أن یقام لك شاهد من آثار الشريعة القدسية، فالحديث المروي عن رسول الله ﷺ: «علماء اُمّی کأنبیاء بنی اسرائیل»، و فی أكثر الروایات «أفضل من انبیاء بنی اسرائیل»، فإن أخذنا العموم من علماء الأمة فأهل بیت النبی المصطفى ﷺ أولى بالقصد و إلا فهم القدر المتیقن»؛ *أوائل المقالات*، تعلیقة ۴۶، ص ۱۷۸.

۴. *الفتوحات المکیة*، ج ۱، ص ۲۲۳؛ و نیز ر.ک: *تفسیر ابن عربی*، ج ۲، ص ۵۵.

۵. *شرح نهج البلاغة*، ج ۱، ص ۸۸.

۶. وی به صحت هر دو نقل از روایت تصریح کرده: «... كما أشار إلى ذلك رسول الله (ص) بقوله: «علماء اُمّی کأنبیاء بنی اسرائیل» و فی روایة «أنبیاء بنی اسرائیل» بلا کاف التشبیه، و الروایتان صحیحتان»؛ *شرح فصوص الحکم*، ص ۱۳۷.

۷. *تحریر الاحکام*، ج ۱، ص ۳۸.

۸. *تفسیر المحيط الأعظم*، ج ۱، ص ۵۱۵.

۹. *التنقیح الرائع*، ج ۱، ص ۵۹۷.

زین‌الدین نباطی بیاضی (م. ۸۷۷ ق)،<sup>۲</sup> ابن‌ابی‌جمهور احسایی (زنده در ۹۰۱ ق)،<sup>۳</sup> شهید ثانی (م. ۹۶۵ ق)،<sup>۴</sup> ملا-فتح‌الله کاشانی (م. ۹۸ ق)،<sup>۵</sup> ملاصدرا شیرازی (م. ۱۰۴۵ ق)،<sup>۶</sup> محمدتقی مجلسی (م. ۱۰۷۰ ق)،<sup>۷</sup> فیض کاشانی (م. ۱۰۹۱ ق)،<sup>۸</sup> علامه محمدباقر مجلسی (م. ۱۱۱۰ ق)،<sup>۹</sup> سیدمحمد طباطبایی (م. ۱۲۲۹ ق)،<sup>۱۰</sup> ملاهادی سبزواری (م. ۱۲۸۹ ق)<sup>۱۱</sup> و محدث نوری (م. ۱۳۲۰ ق)<sup>۱۲</sup> به چشم می‌خورد.

مایهٔ تعجب است که شیخ‌حرّ عاملی در یکی از آثار خویش، این عبارت را منقول از فریقین دانسته،<sup>۱۳</sup> ولی در کتاب *فوائد الطوسیه*، احتمال جعلی بودن روایت را مطرح کرده اسم.<sup>۱۴</sup>

۱. *المقتصر من شرح المختصر*، ص ۲۲.

۲. *الصراط المستقیم*، ج ۱، ص ۱۳۱.

۳. *عوالی‌اللتالی*، ج ۴، ص ۷۷.

۴. *الفوائد الملئیه*، ص ۲۸۵ و نیز ر.ک: *منیة المرید*، ص ۱۸۳.

۵. *تفسیر کبیر منهج الصادقین*، ج ۶، ص ۱۶۷ و نیز ر.ک: *زبدۃ التفاسیر*، ج ۴، ص ۴۰۵.

۶. *اسرار الآیات*، ص ۳۶۷.

۷. *لوامع صاحبقرانی*، ج ۸، ص ۶۸۸.

۸. *الأصول الأصلیة*، ص ۱۶۲.

۹. *مرآة العقول*، ج ۲، ص ۲۸۸؛ و نیز ر.ک: *بحار الانوار*، ج ۲، ص ۲۲ (به نقل از: *عوالی‌اللتالی*) و ج ۲۴، ص ۳۰۷.

۱۰. *مفاتیح الأصول*، ص ۵۰۱.

۱۱. *شرح الأسماء الحسنی*، ج ۱، ص ۲۰۵.

۱۲. *تحریر الأحکام*، ج ۱، ص ۳۸؛ به نقل از: *مستدرک الوسائل*، ج ۱۷، ص ۳۲۰.

۱۳. «و قد روى الخاصة و العامة عن رسول الله (ص) أنه قال: علماء أمّتی کأنبیاء بنی‌اسرائیل»: *الإیقاظ من ההجعة*، ص ۱۹، ۱۰۹.

۱۴. *فوائد الطوسیه*، ص ۳۷۶؛ گرچه تتبع در متن کتاب *فوائد الطوسیه* نشان می‌دهد که این اثر شیخ‌حر عاملی، متأخر از اثر دیگر وی، یعنی

*الإیقاظ من ההجعة* است (ر.ک: *الفوائد الطوسیه*، ص ۴۳۷) و به این اعتبار می‌توان جعلی بودن روایت تشبیه علما را نظریهٔ اخیر وی دانست،

ولی تغییر نظر تا به این حد که در تألیفی ابتدا روایت تشبیه را منقول از فریقین بدانند و سپس در تألیف بعدی، احتمال جعلی بودن آن را

مطرح کند، از چنین محدث‌خبری بسیار جای تعجب دارد.



به عقیده صاحب وسائل، احتمال دارد تشبیه علما به انبیا از سوی اهل سنت به جهت بالا بردن مقام علما و استغنائی از ائمه (علیهم السلام) جعل شده باشد، و «امام» نامیدن بزرگان اهل سنت نیز می‌تواند مؤیدی بر این مقصود باشد. هم‌چنین احتمال دارد، عبارت مذکور از مجعولات صوفیه باشد، زیرا صوفیه از جعل حدیث باکی نداشته و اعتقاد دارند علمایشان از راه کشف و شهود با عالم غیب مرتبطند و چه بسا به مقامی بالاتر از انبیا دست یابند.<sup>۱</sup>

محدث شهیر، سیدنعمت‌الله جزایری (م. ۱۱۱۲ق)، نیز در کتاب *زهرالربیع* قائل است که عبارت: «علماء امتی کأنبیاء بنی اسرائیل» در کتب اخبار یافت نمی‌شود.<sup>۲</sup>

شایان ذکر است، گرچه عبارت «علماء امتی کأنبیاء بنی اسرائیل» در برخی کتب اهل سنت به چشم می‌خورد، ولی برخی همچون: جلال‌الدین سیوطی (م. ۹۱۱ق)،<sup>۳</sup> فتنی (م. ۹۸۶ق)،<sup>۴</sup> ملاعلی قاری (م. ۱۰۱۴ق)،<sup>۵</sup> مناوی (م. ۱۰۳۱ق)<sup>۶</sup> و عجلونی (م. ۱۱۱۶ق)<sup>۷</sup> این حدیث را از موضوعات و احادیث جعلی دانسته‌اند.

۱. «فائدة (۸۵): حدیث علماء امتی کأنبیاء بنی اسرائیل؛ لا یحضرنی أن أحداً من محدثینا رواه فی شیء من الکتب المعتمدة نعم نقله بعض المتأخرین من علمائنا فی غیر کتب الحدیث و كأنه من روایات العامة أو موضوعاتهم لیجعلوه وسیلةً إلى الاستغناء بالعلماء عن الأئمة (ع) و لأنه یناسب طریقهم فقد افراطوا فی تعظیم علمائهم مع علمهم بفسق أكثرهم، و اعتقادهم فیهم لاتقصر عن اعتقاد الإمامیة فی أئمتهم بل ربما زاد علیه كما ینظر لمن خالطهم أو تأمل کتبهم و كما دل علیه الحدیث الذی رواه الطبرسی فی الاحتجاج عن العسکری (ع) فی التقليد و هو طویل و لأنهم یعتقدون ان العلماء یغنون عن الامام كما أشار إلیه القاضی عبدالجبار فی المعنی و هم یطلقون علی علمائهم لفظ الأئمة و علی کثیر منهم لفظ الامام كما فی کتب رجالهم و غیره من کتبهم و یحتمل کونه من روایات الصوفیة أو موضوعاتهم لإرادة إثبات ما یدعونه من الکشف و ما یترتب علیه من المفساد التی لیس هذا محل ذکرها. و قد نقل الشیخ زین‌الدین فی شرح *درایة الحدیث* عن جماعة من مشایخ الصوفیة أنه یجوز عندهم وضع الحدیث فکیف یجوز حسن الظن بهم فی نقل الحدیث؛ *فوائد الطوسیة*، ص ۳۷۶.

۲. «حدیث: «علماء امتی کأنبیاء بنی اسرائیل» لم نطلع علیه فی شیء من کتب الأخبار، نعم نقله بعض المتأخرین من أصحابنا فی غیر کتب الحدیث، و قد اعترف غیرنا بعدم الاطلاع علیه فی جملة أخبارنا و من ثمّ نسبه تارةً إلى العامة و مخترعاتهم لیستغنوا به عن الأئمة (علیهم السلام) و لهذا سمّوا علمائهم الأئمة و أبوحنیفة الإمام الأعظم بالنسبة إلى باقی الأربعة و أخرى إلى الصوفیة، لثبوت ما یزعمونه من الکشف و جوز بعضهم وضع الحدیث للمصالح و علی تقدیر ثبوته حموله تارةً علی...»؛ *زهرالربیع*، ؟؟؟؟؟؟؟. مراد از غیرنا در کلام محدث جزایری، شیخ-حر عاملی است که در کتاب *فوائد الطوسیة* (ص ۳۷۶) به احتمال جعلی بودن این روایت اشاره کرده اسم.

متن سوم: «علماء هذه الأمة أنبياء سائر الأمم»؛<sup>٧</sup> علمای این امت، پیامبران سایر امت‌ها هستند.

متن چهارم: «علماء هذه الأمة كأنبياء بني إسرائيل»؛<sup>٨</sup> علمای این امت، مانند پیامبران بنی اسرائیلند.

متن پنجم: «أفتخر يوم القيامة بعلماء أمّتي فأقول: علماء أمّتي كسائر الأنبياء قبلي»؛<sup>١</sup> من در روز قیامت به

علمای امتِ خویش افتخار می‌کنم و می‌گویم: علمای امت من مانند سایر پیامبران پیش از منند.<sup>٢</sup>

---

١. مانند: فخرالدین رازی (م. ٦٠٦ق) در *تفسیر الرازی*، ج ١٧، ؛ ج ١٩، ص ٩٨؛ ج ٢٩، ص ١٤٨؛ مناوی (م. ١٠٣١ق) در *فيض القدير شرح الجامع الصغير*، ج ١، ص ٢٠؛ ابن خلدون (م. ٨٠٨ق) در *تاريخ ابن خلدون*، ج ١، ص ٣٢٥؛ مقریزی (م. ٨٤٥ق) در *إمتاع الأسماع*، ج ٤، ص ٢٠٨.

٢. «حدیث علماء امتی كأنبياء بنی اسرائیل لا أصل له»؛ *الدرر المنتثرة في الأحاديث المشتهرة*، ص ١٤٨.

٣. «علماء أمّتي كأنبياء بنی اسرائیل» قال شيخنا الزركشي لا أصل له و لا يعرف في كتاب معتبر. و روی بسند ضعيف: أقرب الناس من درجة النبوة أهل العلم والجهاد. *تذكرة الموضوعات*، ص ٢٠.

٤. «حدیث: علماء امتی كأنبياء بنی اسرائیل، قال الدميري و العسقلاني لا أصل له و كذا قال الزركشي و سكت عنه السيوطي»؛ *الأسرار المرفوعة في الأحاديث الموضوعة*، ص ٢٤٧.

٥. «فائدة» سئل الحافظ العراقي عما اشتهر على الألسنة من حديث علماء امتی كأنبياء بنی اسرائیل فقال: لا أصل له و لا إسناد بهذا اللفظ و يغني عنه العلماء ورثة الأنبياء و هو حديث صحيح»؛ *فيض القدير*، ج ٤، ص ٥٠٤.

٦. «علماء أمّتي كأنبياء بنی اسرائیل، قال السيوطي في الدرر لا أصل له، و قال في المقاصد: قال شيخنا يعني ابن حجر لا أصل له، و قبله الدميري و الزركشي و زاد بعضهم و لا يعرف في كتاب معتبر، و قد مضى في أكرموا حملة القرآن، كاد حملة القرآن أن يكون أنبياء إلا أنهم لا يوحى إليهم. و لأبي نعيم بسند ضعيف عن ابن عباس رفعه: أقرب الناس من الدرجة النبوة أهل العلم و الجهاد، انتهى. و أنكره أيضاً الشيخ إبراهيم الناجي و ألف في ذلك جزءاً، و قال النجم و ممن نقله جازم بأنه حديث مرفوع الفخر الرازي و موفق الدين بن قدامة و الأسنوي و البارزي و اليافعي و أشار إلى الأخذ بمعناه التفاضل و فتح الدين الشهيد و أبوبكر الموصلي و السيوطي في الخصائص، و له شواهد ذكرتها في حسن التنبيه لما ورد في التشبيه، انتهى، و قد يؤيده أنه الواقع»؛ *كشف الخفاء*، ج ٢، ص ٦٤.

٧. *فتوحات المكية*، ج ١، ص ٢٢٣.

٨. *علم اليقين*، ج ٢، ص ٩٠٦.

متن ششم: «إن العلماء كسائر أنبياء بني إسرائيل»؛<sup>۳</sup> همانا علما مانند سایر پیامبران بنی اسرائیل هستند.


متن هفتم: «مَنْزِلَةُ الْفَقِيهِ فِي هَذَا الْوَقْتِ كَمَنْزِلَةِ الْأَنْبِيَاءِ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ»؛<sup>۴</sup> جایگاه فقیه در این زمان، مانند

جایگاه پیامبران در بنی اسرائیل اسم.


متن هشتم: «العلماء أنبياء بني إسرائيل»؛ علما، پیامبران بنی اسرائیلند.<sup>۱</sup>

۱. «عن أبي هريرة قال: خطبنا رسول الله ﷺ فقال: أيها الناس إن في القيامة أهوالاً و أفزاعاً و حسرة و ندامة، حتى يغرق الرجل في عرقه إلى شحمة أذنه، فلو شرب من عرقه سبعون بغيراً ما نقص منه شيء؛ قالوا: يا رسول الله، ما النجاة من ذلك؟ قال: اجثوا على ركبكم بين يدي العلماء تنجو منها و من أهوالها، فإني أفتخر يوم القيامة بعلماء أمتي فأقول: علماء أمتي كسائر الأنبياء قبلي»؛ جامع الأخبار، ص ۳۸.

در چاپ کتاب جامع الأخبار (معارج اليقين في أصول الدين) که با عنوان «مصادر كتاب بحار الانوار» چاپ شده و به شیخ محمد بن محمد سبزواری (از اعلام قرن هفتم هجری) نسبت داده شده، عبارت بدین صورت آمده است، اما در چاپ منسوب به شیخ تاج الدین محمد بن محمد شعیری (از اعلام قرن ششم هجری) عبارت بدین صورت نقل شده: «فإني أفتخر يوم القيامة بعلماء أمتي على سائر الأنبياء قبلي»؛ جامع الأخبار، ص ۳۸. و پر واضح است که عبارت بدین صورت ربطی به تفضیل علما بر انبیا ندارد، لکن بحر العلوم (ره)، صاحب بلغة الفقیه، عبارت را به صورت: «فأني أفتخر يوم القيامة بعلماء أمتي كسائر الأنبياء قبلي» نقل کرده و آن را خارج از محل بحث دانسته است، زیرا معنای روایت این خواهد بود که من همانند سایر انبیا به علمای امت خویش افتخار خواهم کرد، نه این که علمای امت من همچون سایر انبیای پیشین هستند: «و الظاهر من هذه الجملة تشبيه نفسه ﷺ بسائر الأنبياء من حيث الافتخار بعلمائهم، لا تشبيه علماء أمة بسائر الأنبياء، فكلمة (كسائر) متعلقة بكلمة (افتخر) لا أنها صفة للعلماء، و الله العالم»؛ بلغة الفقیه، ج ۳، ص ۲۲۳.

۲. کتاب جامع الأخبار، مجموعه‌ای از روایات اهل بیت (ع) درباره اصول دین، موعظه و نکات اخلاقی است و از مصادر کتاب‌های مهمی چون بحار الانوار علامه مجلسی شمرده شده اسم. مشهور است که این کتاب از تألیفات شیخ صدوق  است، اما در این مسئله تردید وجود دارد و حدود هفت احتمال در تعیین مؤلف آن وجود دارد. گفتنی است، آقابزرگ طهرانی در این باره تحقیقی دارند. رک: الذریعة إلی تصانیف الشيعة، ج ۵، ص ۳۳، باب الجیم.

۳. «أمثال قوله ﷺ: «علماء أمتي كسائر أنبياء بني إسرائيل» - كما في كتب الاخبار»؛ بلغة الفقیه، ج ۳، ص ۲۲۸.

۴. الفقه الرضوی، ص ۳۳۸ و نیز: بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۴۶ (به نقل از: الفقه الرضوی ).

متن نهم: «العلماء كأنبياء بني إسرائيل»؛<sup>۲</sup> علما مانند پیامبران بنی اسرائیلند.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، تمامی روایات مذکور به صورت مرسل به پیامبر اکرم ﷺ نسبت داده شده و سلسله سند ندارند.

### نظریات علما و محدثان درباره صحت صدور و معنای روایت

هم‌چنان که ملاحظه شد، محتوای بسیاری از متون عرضه شده، یکسان است؛ تنها تفاوت چشم‌گیر در مسئله تفضیل علما بر انبیا و تشبیه علما به انبیاسم. از این رو، به بررسی دو متن اول اکتفا می‌کنیم.

#### علماء امتی افضل من انبیاء بنی اسرائیل

با توجه به احتمالاتی که درباره جعلی بودن روایت: «علماء امتی كأنبياء بني إسرائيل» مطرح شد، این احتمال به طریق اولی درباره عبارت «علماء امتی افضل من انبیاء بنی اسرائیل» مطرح خواهد شد، اما برخی سعی در توجیه معنای آن دارند.

تفسیر و توجیه این روایت، بر این مبنا استوار است که مراد از علما، خصوص ائمه (ع) باشد، زیرا معقول نیست که علمای غیر معصوم بر انبیای معصوم برتری داشته باشند. سید نعمت‌الله جزایری از طرفداران این نظریه، می‌نویسد:

---

۱. «نحو قوله (ص): العلماء أنبياء بني إسرائيل و في أخرى العلماء كأنبياء بني إسرائيل و في ثالث علماء امتی افضل من أنبياء بني إسرائيل»؛ *المعالم الزلفی*، ج ۱، ص ۱۱۴.

۲. «نحو قوله (ص): العلماء أنبياء بني إسرائيل و في أخرى العلماء كأنبياء بني إسرائيل و في ثالث علماء امتی افضل من أنبياء بني إسرائيل»؛ *المعالم الزلفی*، ج ۱، ص ۱۱۴.

و أما ما جاء في الخبر من قوله (ص): «علماء أمتي أفضل من أنبياء بني إسرائيل»، فالظاهر أن المراد

من العلماء في الحديث الأئمة المعصومين - صلوات الله عليهم -<sup>۱</sup>.

اگر مراد از علما، ائمه علیهم السلام باشند، تفسیر روایت با مشکلی مواجه نخواهد بود، زیرا معنای روایت این است که ائمه علیهم السلام - که عالمان و دانشمندان امت پیامبر صلی الله علیه و آله هستند - بر پیامبران بنی اسرائیل برتری و شرافت دارند. و چنین معنایی صحیح است، زیرا در روایات بسیاری ائمه علیهم السلام به علمای امت اسلامی معرفی شدند؛ مانند این که از امام صادق علیه السلام روایت شده است:

يَغْدُو النَّاسُ عَلَى ثَلَاثَةِ عَالَمٍ وَ مُتَعَلِّمٍ وَ غُثَاءٍ فَسَأَلُوهُ عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ: نَحْنُ الْعُلَمَاءُ وَ شَيْعَتُنَا  
الْمُتَعَلِّمُونَ وَ سَائِرُ النَّاسِ غُثَاءٌ.<sup>۲</sup>

شایان ذکر است، فخرالمحققین (م. ۷۷۱ ق.) ائمه علیهم السلام را خارج از مصادیق روایت دانسته و قائل است، تنها علما مصداق روایتند، چراکه مطابق با روایت تفضیل، ائمه علیهم السلام از انبیای بنی اسرائیل بالاترند، حال آن که ایشان از انبیای بنی اسرائیل و غیر بنی اسرائیل بالاترند.<sup>۳</sup>

### علماء امتی کأنبياء بنی اسرائیل

همان گونه که پیش تر اشاره شد، شیخ حرّ عاملی احتمال مجعول بودن روایت تشبیه را مطرح کرد، ولی بر فرض صحت صدور حدیث از رسول اکرم صلی الله علیه و آله، دوازده تفسیر برای آن ارائه نمود؛ پنج تفسیر مبتنی بر این است که مراد از علما در حدیث مزبور، ائمه علیهم السلام باشند و هفت تفسیر باقی مانده مبتنی بر این است که مراد از علما، دانشمندان و علمای امتند.

---

۱. ریاض الأبرار، ج ۲، ص ۴۶۵.

۲. بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۹. و نیز رک: إعلام الوری، ص ۲۸۴.

۳. جامع الشتات (خواجه‌نوی)، ص ۱۵۷.

شیخ حر<sup>۱</sup> معتقد است برای صحت تشبیه، وجود یک وجه شبهه بین مشبه و مشبه به کافی است؛ لذا از این

حدیث لازم نمی آید که علما و انبیا از جمیع جهات مانند یکدیگر باشند، تا محظوری لازم بیاید.<sup>۱</sup>

اگر مراد از علما در روایت، ائمه (ع) باشند، وجوهی که حدیث را بر آن می توان حمل کرد، عبارتند از:

۱. تشابه در عصم.<sup>۲</sup>

۲. تشابه در حجت الهی و مفترض الطاعه بودن.<sup>۳</sup>

۳. تشابه در فضل، شرف و علو منزلت در درگاه الهی؛ البته در این صورت، تشبیه از نوع تشبیه معکوس

خواهد بود، زیرا به اعتقاد امامیه، ائمه (ع) افضل از انبیای بنی اسرائیلند.<sup>۴</sup>

۴. تشابه در اعلم بودن نسبت به مردم زمانه خویش.<sup>۵</sup>

۵. تشابه در خالی نبودن زمین از حجت الهی.<sup>۱</sup>

---

۱. فوائد الطوسیة، ص ۳۷۶.

۲. «أحدها: ان يكون المراد بعلماء الأمة الأئمة الاثني عشر (ع) و يكون وجه الشبهه العصمة و لا ريب في ثبوتها في الطرفين بأدلة مذكورة في محلها»؛ همان، ص ۳۷۷.

۳. «و ثانيها: ان يكون المراد بهم الأئمة (ع) و وجه الشبهه كونهم حجة الله على الخلق و كون طاعتهم مفترضة»؛ همان.

۴. «و ثالثها: ان يكون المراد بهم الأئمة (ع) و وجه الشبهه الفضل و الشرف و علو المنزلة عند الله لكن اعتقاد الإمامية ان كل واحد منهم أشرف من كل واحد من أنبياء بنی اسرائیل و حينئذ يكون من عكس التشبيه لان المشبه أقوى و له نظائر. و يمكن تصحيحه بحمله على الإنكار و بأن المشبه به أقوى من حيث إن المخاطبين لا ينكرونه أنما ينكرون المشبه لوجه آخر و هو أن الأئمة لما كانوا اثنا عشر و أنبياء بنی اسرائیل ألوفاً كثيرة لا تكاد تحصى، كان المشبه به أقوى؛ إذ لا يبعد كون ثوابهم كلهم أكثر من ثواب اثني عشر اماماً. و قد صرح السيد المرتضى في رسالته تفضيل الأنبياء على الملكة بان الأفضلية المراعاة في هذا الباب هي زيادة ما يستحقه الأفضل من الثواب و صرح أيضاً بان ذلك أمر لا يهتدى العقل بمجردة الى معرفته و انما يعرف من النقل و أجاب بمثل ما أجبنا به هنا عن قوله تعالى: لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَ لَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ و أجاب بغير ذلك أيضاً»؛ همان.

۵. «و رابعها: ان المراد بهم الأئمة (ع) و وجه الشبهه فرض الطاعه أو كون كل واحد منهم أعلم أهل زمانه أو كونه علمه من الله و لو بالإلهام و نحو ذلك»؛ همان.

وجه دیگری نیز در کلمات امین استرآبادی رحمته آمده و آن این که، وجه شبه میان ائمه و انبیای بنی اسرائیل این است که هر دو وصیّ پیامبر زمان خویش بوده‌اند.<sup>۲</sup>

اگر مراد از علما در روایت، علما و دانشمندان امت باشند، وجوهی که حدیث را بر آن می‌توان حمل کرد، عبارتند از:

۶. تشابه در مظلومیت و شهادت.<sup>۳</sup>
۷. وجوب عمل به گفتار ایشان.<sup>۴</sup>
۸. کثرت انبیای بنی اسرائیل و اخبار از کثرت علمای امت آخرالزمان.<sup>۵</sup>
۹. وجود علما در همه اعصار و امصار.<sup>۶</sup>
۱۰. تحمل مصاعب و مشقات بسیار.<sup>۷</sup>

---

۱. «و خامسها: ان يكون المراد بهم الأئمة(ع) و يكون وجه الشبه انه لا يخلو زمان منهم بل في كل زمان واحد منهم أو اثنان فصاعدا لما تقرر من وجوب النبوة و الإمامة»؛ همان.

۲. الحاشية على أصول الكافي، ص ۱۵۳.

۳. «و سادسها: ان يكونوا هم المراد من العلماء و يكون وجه الشبه كونهم مظلومين مقتولين خائفين و تارة غائبين فإن ذلك موجود في الطرفين»؛ فوائد الطوسية، ۳۷۷.

۴. «و سابعها: ان يكون المراد جميع علماء الأمة و يكون وجه الشبه وجوب العمل بما يروونه عنه و عن أهل بيته(ع) كما في طرف المشبه به إذا نقلوا عن الله أو عن صاحب الشريعة في ذلك الزمان أو أوصيائه»؛ همان.

۵. «و ثامنها: ان يكون المراد جميع العلماء و يكون وجه الشبه كثرتهم فان هذا المعنى موجود في الطرفين و يكون حينئذ إخباراً بالغيب و اعجازاً له(ع)»؛ همان.

۶. «و تاسعها: ان يراد العلماء و يكون وجه الشبه وجودهم في كل عصر مع قطع النظر عن الكثرة و هو حينئذ اعجاز له(ع) لمطابقه الخبر الواقع الى الآن»؛ همان.

۷. «و عاشرها: ان يكون المراد العلماء و يكون وجه الشبه تحمل المشاق الكثيرة و المتاعب العظيمة من الظلم و الخوف فان هذا الوصف موجود في المشبه و المشبه به و فيه اعجاز أيضاً...»؛ همان.

۱۱. عدم فرمان برداری مردم از ایشان.<sup>۱</sup>

۱۲. کثرت علم.<sup>۲</sup>

صاحب وسائل در ادامه متذکر می شود که می توان وجوه دیگری نیز برای تشبیه علما به انبیا یافت؛<sup>۳</sup> برخی از وجوه شباهت دیگری که می توان مطرح کرد، عبارتند از این که:

الف) انبیای بنی اسرائیل در تکلیف مختلف بودند؛ بعضی طایفه ای و بعضی شهری را دعوت به حق می کردند و علمای این امت نیز همین طورند.

ب) انبیای بنی اسرائیل دین جدیدی نیاوردند، بلکه همه مردم را به دین موسی ﷺ دعوت می کردند؛ علمای این امت نیز همه را به دین اسلام دعوت و احکام قرآن را تبلیغ می کنند.

ج) علمای این امت مانند انبیای بنی اسرائیل زاهد در دنیا و راغب آخرت بوده اند.<sup>۴</sup>

همان گونه که ملاحظه شد، احتمال دارد مراد از علما در روایت مزبور، خصوص ائمه ﷺ باشند؛<sup>۵</sup> در مقابل، برخی در تفسیر این روایت، عنوان «علما» را به علما و دانشمندان امت اسلامی تعمیم داده و از این تفسیر در

---

۱. «و حادی عشرها: أن يكون المراد العلماء و يكون وجه الشبه عدم اطاعة الرعية لهم فان هذا الوصف غالب في المشبه و المشبه به و فيه حينئذ أيضا اعجاز»؛ همان.

۲. «و ثاني عشرها: ان يكون المراد العلماء و يكون وجه الشبه كثرة العلم؛ فإن علماء الأمة إذا تعلموا العلوم المنقولة عنه و عن أهل بيته (ع) فقد علموا علماً كثيراً و حسن التشبيه بأنبياء بنی اسرائیل في العلم، فإن المشبه به ينبغي أن يكون أقوى و لو باعتبار كثرة الأنبياء أو كثرة علومهم و زيادتها على علوم علماء الأمة لا على علوم الأئمة (ع)؛ فإنهم أعلم قطعاً»؛ همان.

۳. الفوائد الطوسية، ص ۳۷۸.

۴. تفسیر عاملی، ج ۶، ص ۵۰.

۵. «... الأئمة في هذه الأمة لما كانوا بمنزلة الأنبياء الذين كانوا في الأمم السابقة كما قال النبي (ص): علماء امتي كأنبياء بنی اسرائیل، و فسر بالأئمة (ع)»... «مرآة العقول»، ج ۲، ص ۲۸۸. «... أنهم ﷺ بمنزلة الأنبياء في الأمم السالفة ففي كل قرن بهم تتم الحجّة، كما ورد أن علماء امتي كأنبياء بنی اسرائیل و فسر بهم ﷺ»؛ بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۳۰۷.



اثبات برخی فروع فقہی همچون اثبات «ولایت فقیه»<sup>۱</sup> و «جواز اجرای حدود به دست فقها»<sup>۲</sup> استفاده کرده‌اند.

از طرفداران این تفسیر می‌توان به: ابن فهد حلّی،<sup>۳</sup> شهید ثانی،<sup>۴</sup> ابن میثم بحرانی،<sup>۵</sup> سیدحیدر آملی،<sup>۶</sup> ابن عربی<sup>۷</sup> و امام خمینی<sup>۸</sup> اشاره کرد.

از جمله شواهدی که برای تفسیر «علما» به علمای امت می‌توان ارائه کرد، روایتی است که در رجال کشی نقل شده که امیرالمؤمنین (ع) به اصیغ بن نباته فرمودند: «شما همچون انبیای بنی اسرائیلید، جز این که از مقام نبوت برخوردار نیستید».<sup>۹</sup>

روایتی که احوال شیعیان امیرالمؤمنین (ع) در روز قیامت را گزارش می‌کند، نیز می‌تواند در رفع استبعاد تشبیه علما به انبیا و حتی تفضیل ایشان مفید باشد، زیرا مطابق این روایت در روز قیامت انبیا، ملائکه، شهدا و صالحان به مقامات شیعیان امیرالمؤمنین (ع) غبطه می‌خورند.<sup>۱</sup>

۱. عوائد الایام، ص ۵۳۲.

۲. التنقیح الرائع، ج ۱، ص ۵۹۷.

۳. المقتصر من شرح المختصر، ص ۲۲.

۴. منیة المرید، ص ۱۸۳.

۵. شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۸۸.

۶. تفسیر المحيط الأعظم، ج ۱، ص ۵۱۵.

۷. فتوحات المکیه، ج ۱، ص ۲۲۳.

۸. ولایت فقیه، ص ۹۷.

۹. «نُصِرُ بِنُ الصَّبَاحِ الْبَلْخِيِّ، قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَرِيْعٍ، عَنِ أَبِي الْجَارُودِ، قَالَ: قُلْتُ لِلْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ مَا كَانَ مَنْزِلَهُ هَذَا الرَّجُلِ فِيكُمْ قَالَ مَا أَدْرِي مَا تَقُولُ إِلَّا أَنْ سَيُوفِنَا كَانَتْ عَلَيَّ عَوَاتِقُنَا فَمَنْ أَوْمَى إِلَيْهِ ضَرْبَنَاهُ بِهَا، وَكَانَ يَقُولُ لَنَا تَشَرَّطُوا فَوَ اللَّهُ مَا اشْتَرَطَكُمُ لِدَهَبٍ وَ لَا لِفِضَّةٍ وَ مَا اشْتَرَطَكُمُ إِلَّا لِلْمَوْتِ، إِنْ قَوْمًا مِنْ قَبْلِكُمْ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ تَشَارَطُوا بَيْنَهُمْ فَمَا مَاتَ أَحَدٌ مِنْهُمْ حَتَّى كَانَ نَبِيٌّ قَوْمِهِ أَوْ نَبِيٌّ قَرَيْتِهِ أَوْ نَبِيٌّ نَفْسِهِ، وَ إِنَّكُمْ لِمَنْزِلَتِهِمْ غَيْرَ أَنْكُمْ لَسْتُمْ بِأَنْبِيَاءَ»؛ اختيار معرفة الرجال، ص ۵ (مراد از «هذا- الرجل» امیرالمؤمنین (ع) است).

با توجه به دو شاهد اخیر، چه بسا بتوان گفت مراد از حدیث تشبیه و حتی حدیث تفضیل، بر فرض صدور، اوحدیّ از اصحاب ائمه (ع)، همچون سلمان فارسی‌اند که به مقام عصمت اختیاری رسیده‌اند، و وقتی روایت را بر چنین افرادی حمل کنیم، استبعاد تفضیل غیرمعصوم بر معصوم جایی نخواهد داشم.

به عقیده سیدحیدر آملی (ع) گرچه مراد از علما در این روایت، خصوص ائمه (ع) نیست، اما از آن‌جا که علوم انبیا کسبی نیست، این روایت علمای رسمی را شامل نمی‌شود، بلکه تشبیه مذکور، به علمایی اختصاص دارد که از علوم باطنی و الهی بهره‌مند باشند.<sup>۲</sup>

### خواب معروف

یکی از علما در خواب دید حضرت موسی (ع) از پیامبر گرامی اسلام (ص) با حالت گلایه و شکوه پرسید: «آیا شما درباره علمای امت خویش فرموده‌اید: علماء امتی افضل من انبیاء بنی اسرائیل؟» پیامبر اکرم (ص) در عالم رؤیا یکی از علمای حاضر در مجلس را نشان داده و به موسی بن عمران (ع) فرمود او را امتحان کند تا به حقانیت این سخن پی ببرد. حضرت موسی (ع) از آن عالم پرسید: «نامت چیست؟» او در پاسخ گفت: «نامم احمد، نام پدرم محمد و از اهالی اردبیلیم؛ تحصیلات خویش را در نجف اشرف نزد فلان استاد و فلان استاد به پایان رساندم.»

۱. «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَوْمٌ عَلَيْهِمْ ثِيَابٌ مِنْ نُورٍ عَلَى وُجُوهِهِمْ نُورٌ يُعْرَفُونَ بِأَثَارِ السُّجُودِ يَتَخَطَّوْنَ صَفًّا بَعْدَ صَفٍّ حَتَّى يَصِيرُوا بَيْنَ يَدَيِ رَبِّ الْعَالَمِينَ يَغِيْطُهُمُ النَّبِيُّونَ وَالْمَلَائِكَةُ وَالشُّهَدَاءُ وَالصَّالِحُونَ ثُمَّ قَالَ أَوْلَيْكَ شِيعَتَنَا وَعَلَيْ إِمَامَهُمْ؛ بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۶۸، باب ۱۵. «قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنَّ عَنِ يَمِينِ الْعَرْشِ قَوْمًا وَجُوهُهُمْ مِنْ نُورٍ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ يَغِيْطُهُمُ النَّبِيُّونَ لَيْسُوا بِأَنْبِيَاءَ وَلَا شُهَدَاءَ فَقَالُوا يَا نَبِيَّ اللَّهِ وَمَا أَزْدَادُوا هَؤُلَاءِ مِنَ اللَّهِ إِذَا لَمْ يَكُونُوا أَنْبِيَاءَ وَلَا شُهَدَاءَ إِلَّا قُرْبًا مِنَ اللَّهِ قَالَ أَوْلَيْكَ شِيعَةُ عَلِيٍّ وَعَلِيٌّ إِمَامُهُمْ؛ همان، ج ۷، ص ۱۸۵، باب ۸.

۲. تفسیر المحيط الأعظم، ج ۱، ص ۵۱۵. تفسیر علما در روایت محلّ بحث به «اولیای عارف» در کلام ابن عربی نیز آمده است: «و لهذا قال (ع): علماء امتی کانبیاء بنی اسرائیل، و هم الأولیاء العارفون المتمکنون»؛ تفسیر ابن عربی، ج ۲، ص ۵۵.

حضرت موسی علیه السلام که در پاسخ سؤالی، با چندین پاسخ مواجه شده بود، به او گفت: «چرا به سؤال من این همه پاسخ دادی؟» آن عالم در پاسخ فرمود: «ای موسی! چرا شما در جواب خداوند متعال که فرمود: ﴿وَمَا تَلْكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَى﴾<sup>۱۷</sup> چندین پاسخ دادی، در حالی که می توانستی تنها به پاسخی اکتفا کنی؟!» حضرت موسی علیه السلام از هوش و ذکاوت این عالم به اعجاب درآمد؛ آن گاه رو به رسول خدا صلی الله علیه و آله کرد و فرمود: «حقاً که علماء امتک افضل من انبیاء بنی اسرائیل».

هم چنان که معروف و مشهور است، عالم مزبور «مقدس اردبیلی رحمته الله علیه» بوده،<sup>۱</sup> اما در برخی منابع نیز این جریان به «امین الاسلام طبرسی رحمته الله علیه» منتسب است.<sup>۲</sup> راغب اصفهانی نیز در کتاب *محاضرات* به نقل از امام شاذلی، این قضیه را به «غزالی» نسبت داده است.<sup>۳</sup>

پر واضح است که رؤیای مزبور بر فرض صحت (مربوط به هر شخصیتی که باشد)، دلیل بر صدور روایت از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و حتی قرینه بر صدور آن هم نخواهد بود، زیرا خواب و رؤیا هیچ گونه حجیتی ندارند.

## نتیجه

۱. *جامع الشتات*، ص ۱۵۷. و نیز رک: *تفسیر عاملی* (فارسی)، ج ۶، ص ۵۰؛ *کشف الأسرار*، ج ۱، ص ۱۳۵؛ *التفسیر الکاشف*، ج ۵ ص ۲۱۱؛ *لئالی الأخبار*، ج ۱، ص ۱۱۶؛ *العقبری الحسان*، ج ۵، ص ۲۷۱.

۲. *ریاض العلماء*، ج ۴، ص ۳۵۸. افندی رحمته الله علیه می گوید: این خواب را خود طبرسی در *مجمع البیان* ذکر کرده: «ثم ان من جمله مقاماته بعض مناماته الطریفه ما حکاه نفسه فی کتاب *مجمع البیان* فی تفسیر سوره طه او سوره آخری فی تفسیر قوله تعالی...»؛ اما متأسفانه در متن تفسیر *مجمع البیان* یافت نشد.

۳. در *تفسیر عاملی* آمده است: «راغب اصفهانی در کتاب *محاضرات* گفته است که امام شاذلی، صاحب کتاب *ضرب البحر* گفت: در مسجد اقصی به خواب دیدم در وسط حرم قدس خارج مسجد تختی گذارده اند و مردم دسته دسته می آیند. پرسیدم: چه خبر است؟ گفتند: چون حلاج سوء ادبی کرده است، پیغمبران می آیند از حضور حضرت پیغمبر تقاضای عفو او را بکنند. ناگاه دیدم آن حضرت بر تخت نشسته و پیغمبرانی مانند: ابراهیم، نوح، موسی و عیسی (ع) در پای تخت نشسته اند. ایستادم و گوش به سخنان آنها دادم. شنیدم موسی (ع) گفت: «شما فرموده ای: علمای امت من از پیغمبران بنی اسرائیل برترند. یکی از آنها را به ما بنما!» آن حضرت به غزالی اشاره فرمود. موسی (ع) از او سؤالی فرمود. او ده جواب داد. آن حضرت اعتراض کرد که: «یک سؤال، یک پاسخ لازم دارد، نه ده پاسخ!» غزالی گفت: «پس چرا شما در جواب: «وَمَا تَلْكَ بِيَمِينِكَ» چند پاسخ دادی؟!» *تفسیر عاملی*، ج ۶، ص ۹۹.

همان‌گونه که ملاحظه شد حدیث تفضیل، یعنی عبارت: «علماء امتی افضل من انبیاء بنی اسرائیل»، در منابع حدیثی کهن به چشم نمی‌خورد، و قدیمی‌ترین متنی که این عبارت را به عنوان روایت نقل کرده، مشارق الدراری (شرح تائیه ابن فارض)، تألیف سعیدالدین سعید فرغانی (م. ۶۹۱ق) مربوط به قرن هفتم، و ریاض-الأبرار، تألیف سید نعمت‌الله جزایری (م. ۱۱۱۲ق) مربوط به قرن دوازدهم اسم.

خالی بودن منابع و مجامع معتبر و متقدم روایی از این عبارت و نقل اولیه این متن در کتاب‌های عرفانی از سویی، و تفسیر علما به اولیا و عالمان به شریعت، طریقت و حقیقت در متون عرفانی از سوی دیگر، شبهه شیخ حر عاملی مبنی بر ساختگی بودن این گونه احادیث توسط عرفا و صوفیه را تقویت می‌کند.

بنابراین، اطمینان به صدور این عبارت از رسول اکرم ﷺ بسیار مشکل است. در فرض صدور هم از آن‌جا که به حکم عقل و نقل، پیامبران بنی‌اسرائیل معصومند و تفضیل علمای غیر معصوم بر انبیای معصوم صحیح نیست، عنوان علما را یا باید بر وجود مبارک اهل بیت (ع) تطبیق کرد؛ به قرینه این‌که در برخی روایات، اهل بیت (ع) «علما» و شیعیان «متعلمان» معرفی شده‌اند: «نحن العلماء و شیعتنا المتعلمون»؛ و یا بر شاگردان ممتاز مکتب اهل بیت (ع)، همچون سلمان فارسی (ع) که به درجات بالای ایمان دست یافته و به مقام عصمت اختیاری رسیده‌اند، چراکه ایشان نیز همچون انبیا بر مردم زمانه خویش حجتند.

کنکاش نویسنده درباره حدیث تشبیه نیز حاکی از آن است که مجامع روایی و متون علمی هفت قرن اول از عبارت: «علماء امتی کانبیاء بنی اسرائیل» نیز تهی بوده و اولین نقل این عبارت مربوط به متنی عرفانی از آثار ابن عربی (م. ۶۳۸ ق) است.

بنابراین، مضمون تشبیه علما به انبیا به راحتی قابل توجیه و تفسیر است، ولی خالی بودن متون اولیه از این عبارت و ابتدای نقل آن در متون عرفانی، به‌خصوص با تصریح برخی محدثان بزرگ شیعه، همچون شیخ حر عاملی و محدث جزایری (ع)، و برخی علمای اهل سنت، همچون سیوطی و فتنی، به عدم اصالت این روایت،

شائبه جعل آن توسط صوفیه را تقویت می‌کند، و کثرت نقل این روایت در متون علمی قرن هفتم به بعد نیز به جهت تأخر منابع و نیز ارسال حدیث، ظنی به صدور آن از رسول اکرم ﷺ ایجاد نمی‌کند.

سایر متون مشابه نیز مربوط به کتاب‌های متأخر و یا معاصر است و به احتمال قوی، نقل به معنای حدیث تشبیه هستند. تنها متونی که جای اعتنا دارند، یکی عبارت جامع‌الأخبار است: «أفتخر يوم القيامة بعلماء أمّتي فأقول: علماء أمّتي كسائر الأنبياء قبلي»، که هم در تعیین مؤلف کتاب هفت وجه وجود دارد و هم در برخی نسخه‌ها به گونه دیگری نیز نقل شده است که آن را از محل بحث خارج می‌کند. متن دیگر، عبارت کتاب فقه رضوی ص ۱۶۱ است: «مَنْزِلَةُ الْفَقِيهِ فِي هَذَا الْوَقْتِ كَمَنْزِلَةِ الْأَنْبِيَاءِ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ»، که متأسفانه روایی بودن این کتاب مورد اختلاف اسم.

بنابراین، قطعی به صدور هیچ‌کدام از دو روایت تفضیل و تشبیه وجود ندارد، و بر فرض صدور نیز باید آن دو را به گونه‌ای خاص تفسیر کرد.

## کتاب نامه

- اختیار معرفة الرجال، محمد بن عمر کشی، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، اول، ۱۴۰۹ق.
- اسرار الآيات (به انضمام تعليقات حکيم مولى على نوري)، صدرالدين شیرازی، تصحيح: سيد محمد موسوی، تهران: حکمت، ۱۳۸۵.
- إعلام الوری بأعلام الهدی، فضل بن حسن طبرسی، تهران: اسلامیه، سوم، ۱۳۹۰.
- الأسرار الفاطمیة، محمد فاضل المسعودی، تقديم: السيد عادل العلوی، قم: زائر، دوم، ۱۴۲۰ق.
- الأسرار المرفوعة فی الأخبار الموضوعة (الموضوعات الكبرى)، ملا علی القاری، تحقیق: محمد بن لطفی الصباغ، بیروت: المكتب الإسلامی، دوم، ۱۴۰۶ق.
- الأصول الأصيلة، ملا محسن فیض کاشانی، تهران: سازمان چاپ دانشگاه، ۱۳۹۰ق.
- الألفین، الحسن بن یوسف بن المطهر (العلامة الحلی)، کویت: مكتبة الألفین، ۱۴۰۵ق.
- الإيقاظ من الهجمة بالبرهان على الرجعة، شیخ حر عاملی، تحقیق: هاشم رسولی، احمد جنتی، تهران: نوید، اول، ۱۳۶۲ش.
- التفسیر الکاشف، محمد جواد مغنیه، بیروت: دارالعلم للملایین، دوم، ۱۹۷۸م.
- التنقيح الرائع لمختصر الشرائع، فاضل مقداد سیوری، تحقیق: سيد عبداللطيف حسيني كوه كمرى، قم: كتاب خانة آية الله مرعشي نجفی، ۱۴۰۴ق.
- الحاشية على أصول الكافي، ملا محمد امين استرآبادی، قم: دارالحديث، اول، ۱۴۳۰ق.

- الدرر المنتشرة في الأحاديث المشتهرة، جلال الدين السيوطي، تحقيق: محمد بن لطفى الصباغ، رياض: عمادة شؤون المكتبات جامعة الملك سعود.

- الذريعة إلى تصانيف الشيعة، آقابزرگ الطهراني، بيروت: دارالأضواء، سوم، بی تا.

- الصراط المستقيم إلى مستحقى التقديم، على بن محمد بن على بن محمد بن يونس عاملی نباطی، تحقيق: ميخائيل رمضان، نجف: المكتبة الحيدرية، اول، ۱۳۸۴ق.

- العقبى الحسنان في احوال مولانا صاحب الزمان (عج)، على اكبر نهاوندى، تحقيق و تصحيح: صادق برزگر بفروى و حسين احمدى قمى، قم: مسجد مقدس جمكران، ۱۳۸۶.

- العلم و الحكمة في الكتاب و السنة، محمد محمدى رى شهرى، قم: دارالحديث، اول، بی تا.

- الغدير، علامه محمد حسين امينى، بيروت: دارالكتاب العربى، چهارم، ۱۳۹۷ق.

- الفتوحات المكيه، محيى الدين بن عربى، بيروت: دارصادر، بی تا.

- الفقه الرضوى، منسوب به على بن موسى الرضا (ع)، مشهد: مؤسسه آل البيت (ع)، اول، ۱۴۰۶ق.

- الفوائد الطوسيه، محمد بن حسن حر عاملی، قم: علميه، اول، ۱۴۰۳ق.

- الفوائد الملية لشرح الرسالة النفلية، زين الدين بن على العاملى (الشهيد الثانى)، تحقيق: محمد حسين مولوى، قم: دفتر تبليغات اسلامى، اول، ۱۴۲۰ق.

- المعالم الزلغى في شرح العروة الوثقى، عبد النبي نجفى عراقى، قم: علميه، اول، ۱۳۸۰ق.

- المقتصر من شرح المختصر، ابن فهد حلى، تحقيق: سيد مهدى رجائى، قم: مجمع البحوث الاسلاميه، اول، ۱۴۱۰ق.


- إمتاع الأسماع، تقى الدين احمد بن على المقريزى، تحقيق و تعليق: محمد عبد الحميد النميسى، بيروت: منشورات محمد على بيضون، دارالكتب العلمية، اول، ۱۴۲۰ق.

- *اوائيل المقالات*، محمد بن محمد بن نعمان (شيخ مفيد)، تحقيق: ابراهيم انصاري، بيروت: دارالمفيد للطباعة و النشر و التوزيع، دوم، ١٤١٤ق.
- *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، علامه محمد باقر مجلسي، بيروت: دار إحياء التراث العربي، دوم، ١٤٠٣ق.
- *بصائر الدرجات في فضائل آل محمد (ع)*، محمد بن حسن صفار، تحقيق و تصحيح: محسن بن علي كوجه- باغي، قم: كتابخانه آية الله مرعشي نجفي، دوم، ١٤٠٤ق.
- *بلغة الفقيه*، محمد بن محمد تقى بحر العلوم، تهران: مكتبة الصادق، چهارم، ١٤٠٣ق.
- *تاريخ ابن خلدون*، عبدالرحمن بن خلدون، بيروت: دار إحياء التراث العربي، چهارم، بی تا.
- *تحرير الأحكام*، الحسن بن يوسف بن المطهر (العلامة الحلبي)، تحقيق: ابراهيم بهادري، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، اول، ١٤٢٠ق.
- *تذكرة الموضوعات*، محمد طاهر بن علي الصديقي الهندي الفتنى، بی جا: ادارة الطباعة المنيرية، اول، ١٣٤٣ق.
- *تفسير ابن عربي*، محيى الدين بن عربي، ضبط و تصحيح: عبدالوارث محمد علي، بيروت: دارالكتب العلمية، اول، ١٤٢٢ق.
- *تفسير الرازي*، فخرالدين رازي، بی جا، بی نا، بی تا.
- *تفسير المحيط الأعظم و البحر الخظم في تأويل كتاب الله العزيز المحكم*، سيدحيدر آملی، تحقيق: سيد- محسن موسوی تبریزی، قم: مؤسسه فرهنگي و نشر نور علی نور، چهارم، ١٤٢٨ق.
- *تفسير عاملی (فارسی)*، ابراهيم عاملی (موثق)، تصحيح: علی اکبر غفاری، تهران: کتابخانه صدوق، ١٤٠٢ق.
- *تفسير كبير منهج الصادقين في الزام المخالفين (فارسی)*، ملافتح الله كاشانی، تهران: كتاب فروشی محمد- حسن علمی، ١٣٣٣ش.



- تفسیر نوین، محمدتقی شریعتی، تهران: انتشار، ۱۳۴۶ ش.
- تقلیدالاعلم، احمدعلی احمدی شاهرودی، قم: پیام مهر، ۱۳۸۳.
- جامع‌الآخبار، محمدبن محمد شعیری، نجف: مطبعة حیدریه، بی تا.
- جامع‌الشتات، (محمد) اسماعیل خواجه‌نوی مازندرانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، اول، ۱۴۱۸ ق.
- حکایات برگزیده از زندگی علما با سلاطین، ناصر باقری بیدهندی، بی جا، بی نا، بی تا.
- ریاض‌العلماء و حیاض‌الفضلاء، عبدالله بن عیسی افندی، تحقیق: احمد حسینی اشکوری، قم: خیام، بی تا.
- ریاض‌الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار، سیدنعمت‌الله جزایری، بیروت: مؤسسه‌التاریخ العربی، اول، ۱۴۲۷ ق.
- زبدة‌التفاسیر، ملافتح‌الله کاشانی، تحقیق: مؤسسه‌المعارف، قم، مؤسسه‌معارف اسلامی، اول، ۱۴۲۳ ق.
- زهرالریع، سیدنعمت‌الله جزایری، بیروت: المؤسسة العالمیه للتجلید، بی تا.
- شب‌های پیشاور در دفاع از حریم تشیع، سلطان‌الواعظین شیرازی، تهران: دارالکتب الإسلامیه، سی و نهم، ۱۳۷۹ ش.
- شرح فصوص‌الحکم، مؤیدالدین الجندی، تصحیح، تحقیق و تعلیق: سیدجلال‌الدین آشتیانی، قم: بوستان کتاب، دوم، ۱۴۲۳ ق.
- شرح نهج‌البلاغه، میثم بن علی بن میثم البحرانی، تحقیق: تعدادی از فضلا، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، اول، ۱۳۶۲.
- شرح‌الاسماء‌الحسنی، حاج ملاحادی سبزواری، قم: منشورات مکتبه بصیرتی، چاپ سنگی.
- علم‌الیقین، ملامحسن فیض کاشانی، تصحیح: محسن بیدارفر، قم: بیدار، اول، ۱۴۱۸ ق.

- *عوائى اللئالى العزىزىة فى الأحادىث الدىنىة*، محمد بن زىن الدىن بن أبى جمهور احساىى، تحقىق: مجتبى عراقى، قم: دار سىد الشهداء للنشر، اول، ١٤٠٥ق.
- *عوائد الأىام فى بیان قواعد الأحكام و مهمات مسائل الحلال و الحرام*، مولى احمد نراقى، قم: دفتر تبلىغات اسلامى حوزة علمیه قم، اول، ١٤١٧ق.
- *فهرست کتابهاى چاپى عربى*، خان بابا مشار، ناشر: مؤلف، ١٣٤٤.
- *فیض القدیر شرح الجامع الصغیر*، محمد عبدالرؤف المناوى، تصحیح: احمد عبدالسلام، بیروت: دارالکتب العلمیة، اول، ١٤١٥ق.
- *كشف الأسرار فى شرح الإستبصار*، سید نعمت الله جزایرى، قم: مؤسسه دارالکتب، اول، ١٤٠٨ق.
- *كشف الخفاء*، اسماعیل بن محمد العجلونى، بیروت: دارالکتب العلمیة، سوم، ١٤٠٨ق.
- *لأكون مع الصادقین*، محمد تیجانى سماوى، قم: مؤسسه انصاریان، بی تا.
- *لوامع صاحبقرانى مشهور به شرح فقیه*، محمد تقى مجلسى، قم: مؤسسه اسماعیلیان، دوم، ١٤١٤ق.
- *لئالى الأخبار*، محمد نبى بن احمد تویسرکانى، قم: مکتبه العلامة، بی تا.
- *مرآة العقول فى شرح أخبار آل الرسول*، محمد باقر مجلسى، تهران: دارالکتب الإسلامیة، دوم، ١٤٠٤ق.
- *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، میرزا حسین نورى، تحقىق: مؤسسه آل البيت (ع)، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، اول، ١٤٠٨ق.
- *مشارق الدرارى (شرح تائیه ابن فارض) (فارسی)*، سعید الدین سعید فرغانى، تقدیم و تعلیق: سید جلال الدین آشتیانى، قم: دفتر تبلىغات حوزة علمیه، دوم، ١٣٧٩ش.
- *معارج الیقین فى أصول الدین*، الشیخ محمد السبزواری، تحقىق: علاء آل جعفر، قم: مؤسسه آل البيت لإحیاء التراث، اول، ١٤١٠ق.

- معجم المطبوعات العربيه فى ايران، عبدالجبار رفاعى، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، بى تا.
- معجم المؤلفات الشيعيه فى الجزيره العربيه، حبيب آل جميع، بيروت: مؤسسه البقيع لإحياء التراث، بى تا.
- مفاتيح الأصول، سيد محمد طباطبائى كربلايى، چاپ سنگى، بى جا، بى نا، بى تا.
- مناظرات فى العقائد و الأحكام، الشيخ عبدالله الحسن، بى جا: دليل، دوم، ۱۴۲۱ق.
- منيه المرید، زين الدين بن على العاملى (الشهيد الثانى)، تحقيق: رضا مختارى، قم: دفتر تبليغات اسلامى، اول، ۱۳۶۸ش.
- موسوعه طبقات الفقهاء، جعفر سبحانى، قم: مؤسسه امام صادق(ع)، اول، بى تا.
- ولايت فقيه، سيد روح الله موسوى خمينى، قم: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى ، دوازدهم، ۱۴۲۳ق.

